خط خبر

■ فیلم کوتاه «پرنده سیاه» به نویسندگی و کارگردانی «علی ریاحی» پس از طی مراحل تصویربرداری روی میز تدوین «علی گورانی» قرار گرفت. /**ایرنا**

■ فیلم سیاه و سفید «تراژدی مکبث» با بازی فرانسیس مک‌دورمند و دنزل واشنگتن، آغازگر پنجاه و نهمین جشنواره فیلم نیویورک خواهد بود. /**ایرنا**

■ بعد از اینکه دولت فرانسه از روز بیست و یکم جولای قوانین بهداشتی جدیدی وضع کرد که از مردم مدرک واکسیناسیون یا تست پی‌سی‌آر منفی برای ورود به سالن‌های فرهنگی از جمله سینماها می‌خواهد، فروش سینماهای فرانسه ضربه بزرگی خورد و ۷۰ درصد افت کرد./**مهر**

■ حسن ابوبی، تدوینگر سینما ضمن اشاره به تأثیر مثبت تولیدات نمایشی وی‌اودی‌ها بر دستمزد عوامل فنی سینما و تلویزیون، تأکید کرد که تلویزیون برای آثارش عوامل حرفه‌ای نمی‌خواهد./**مهر**

■ رامین دولت آبادی، کارگردان «خوک هندی» با اشاره به ویژگی‌های این نمایش از دودستگی که این روزها بین سالن‌های خصوصی و دولتی به وجود آمده و دودش به چشم گروه های در حال اجرا می‌رود، گلایه کرد./**مهر**

■ کمال شفیعی، عضو هیأت داوران هشتمین جشنواره بین‌المللی شعر غدیر معتقد است که با توجه به نقش شیراز به عنوان خاستگاه رویدادهای فرهنگی در ادوار مختلف، این کلانشهر محق‌ترین مکان برای میزبانی این جشنواره محسوب می‌شود./**ایرنا**

■ مسئولان موزه مشهور «پرادو» در اسپانیا با ایجاد تغییراتی در مجموعه آثار این موزه شمار آثار هنری هنرمندان زن را افزایش دادند./**ایسنا**

■ مستند «کمو شیمیایی» با محوریت جانبازان شیمیایی پس از فیلمبرداری در شیراز به تهران رسید./خبر آنلاین

■ طبق پیش‌بینی‌ها اثر دلهره آور جدید ام نایت شیامالان به نام «پیر» صدرنشین این هفته گیشه امریکا خواهد شد. این فیلم در افتتاحیه روز پنجشنبه ۱.۵ میلیون دلار فروخته است./**باشگاه خبرنگاران جوان**

■ نمایش «ببو» به نویسندگی و کارگردانی مهیار شیروانی از دوشنبه در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌رود. بازیگران این نمایش پرستو الماس، نیکو پشوتن، عماد جاویدپور و مسعود رمضانی هستند./**روابط عمومی نمایش**

■ چهارمین قسمت از مجموعه مستند «از تهران تا رم» که توسط سفارت ایتالیا در ایران تهیه می‌شود، با پرداختن به زندگی و آثار «بهمن محصص» هنرمند ایرانی عرصه هنرهای تجسمی، منتشر شد./**ایرنا**

■ مجموع فروش سه حراج‌خانه معروف دنیای هنر در سال جاری میلادی ۲۳۰ درصد افزایش یافت و رونق در این بازار به سطح پیش از کرونا رسید./**ایرنا**

■ جبار آذین، منتقد سینما و تلویزیون گفت: سریال «دودکش۲» ضرباهنگ کندی دارد و مخاطب تکیه‌کلام‌های تکراری فصل نخست را مشاهده می‌کند./**ایرنا**

■ شکیل اونیل افسانه بازنشسته بسکتبال هم بعد از تعدادی از همبازی‌های سابقش قصد کرد وارد دنیای فیلم‌های انیمیشن شود./مهر

■ در ایام المپیک که از ۱ تا ۱۷ مرداد است، آنتن رادیو ورزش کاملاً یک آنتن المپیکی است و موضوعات مربوط به المپیک را پوشش می‌دهد. /**رادیو ورزش**

■ سلسله نشست‌های پژوهشی فیلم کوتاه با عنوان «پژوهش برخط»؛ گفتارهای فیلم کوتاه تجربی با حضور رامتین شهبازی به‌عنوان دبیر علمی، هر دوشنبه در فضای مجازی انجمن سینمای جوانان ایران به نشانی @amoozesh.iycs برگزار می‌شود./**مهر**

■ اشکان رهگذر، نویسنده و کارگردان که پیش از این با انیمیشن سینمایی «آخرین داستان» موفق به دریافت ۱۵ جایزه داخلی و خارجی شده بود و در جشنواره بین‌المللی انسی ۲۰۲۱ با پروژه «گنج اژدها» توانست به بخش میفاپیچز راه پیدا کند، به تازگی داور یکی از بخش‌های جشنواره بین‌المللی فانتازیا مونترال شده است. رهگذر علاوه بر داوری در این جشنواره، از انیمیشن سینمایی «زولیت و شاه» در این جشنواره رونمایی می‌کند. /**ایسنا**

چند خبر و نکته درباره بیستمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی

اجرا در پاییز با دو سناریو

محسن بوالحسنی: چند روز پیش بود که اسامی نسخ پذیرفته‌شده در بخش شبیه‌خوانی بیستمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی اعلام شد و این اعلام دبیرخانه به‌نوعی نوید برگزاری بیستمین دوره از جشنواره را هم در خود داشت. آن‌طور که داوود فتحعلی بیگی می‌گوید «کارها در حال انجام است و طبق برنامه‌ریزی‌های به عمل آمده قرار است این جشنواره پاییز امسال بالاخره برگزار شود که البته با توجه به شرایط کرونا برای برگزاری این دوره از جشنواره به دو سناریو فکر کرده‌ایم و احتمال بسیار زیاد با این سرفصل که جشنواره مجازی خواهد بود یا حضوری یا هر دو، طی یک هفته تا ده روز آینده درباره این دو سناریو طی جلسه‌ای تصمیم خواهیم گرفت و شکل نهایی برگزاری را اطلاع‌رسانی می‌کنیم.»

دبیر بیستمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی در توضیح این برنامه به «ایران» می‌گوید: «طبیعی است که اگر وضعیت قرمزی که در آن به سر می‌بریم و هراز‌چندگاهی خودی نشان می‌دهد تا پاییز روبه افول برود یکسری از برنامه‌ها را می‌توانیم حضوری و البته با دقت و رعایت پروتکل‌ها و سایر موارد الزام آور حضوری و زیر سقف و در محیط و با حضور تماشاگر برگزار کنیم و آن دسته از نمایش‌هایی که برای اجرا در فضای باز طراحی شده‌اند هم در فضای باز اجرا شوند. اگر هم خدای ناکرده در پاییز هم با خیز کرونا و بالارفتن آمار مواجه باشیم چاره‌ای نداریم جز اینکه با همکاری هنرمندان حاضر در بخش نهایی، اجراها را طوری برنامه‌ریزی کنیم که در فضای باز اجرا بروند.»

داوود فتحعلی‌بیگی درباره آثاری که چنین امکانی را ندارند و صرفاً باید در سالن اجرا شوند هم می‌گوید: «تا آن زمان تصمیم خواهیم گرفت که چگونه از بسترهای آنلاین و اینترنتی استفاده کنیم و از این طریق اجرای نمایش این دوستان هم به شکل اینترنتی پخش شود. با این حال تمامی این تصمیم‌ها طی روزهای آینده نهایی خواهند شد و فعلاً سناریو و چشم‌اندازی است که ما به آنها فکر می‌کنیم.» فتحعلی بیگی درباره بخش بین‌الملل هم می‌گوید: «طبیعتاً ما نیز مثل جشنواره دیگر امسال نمی‌توانیم مثل سال‌های گذشته و با همان کیفیت به بخش بین‌الملل فکر کنیم چون این محدودیت‌های سفر و رفت‌وآمد تقریباً در تمام دنیا حکمفرماست و در این شرایط هم ممکن نیست که بتوانیم میزبان اجراهایی از دیگر کشورها باشیم یا هنرمندان مدعو داشته باشیم و تنها ممکن است بتوانیم برنامه‌های اینترنتی در قالب وبینار داشته باشیم و به‌صورت برخط از هنرمندان کشورهای دیگر میزبانی کنیم. با این حال ترجیح ما این است که انرژی و هزینه را صرف بهتر برگزار کردن جشنواره و میزبانی درست از هنرمندان کشور خودمان کنیم و از این آزمون سربلند بیرون بیاییم.»

■ **آثار مکتوب تجربه‌محور است**

عظیم موسوی یکی از داوران بخش مجالس شبیه خوانی بیستمین جشنواره نمایش‌های آیینی و سنتی که چند روز پیش ۹ اثر را به‌عنوان اثر برگزیده معرفی کردند در گفت‌وگو با «ایران» از مقایسه کیفی آثار رسیده به این دوره از جشنواره با دوره‌های پیشین و تأثیر کرونا بر جشنواره می گوید.

موسوی در بخشی از صحبت‌های خود به تجربه هنرمندان این حوزه در بخش متن‌نویسی اشاره می‌کند و می‌گوید: «آن‌چه قابل ذکر به نظر می‌رسد این مسأله است که امسال شاهد ارسال متن‌های جدیدی بودیم که به شیوه تعزیه نوشته شده بودند و در وهله اول باید گفت که این متن‌ها تجربه‌هایی خوب در این بخش بود که البته باید در مرحله اجرای صحنه‌ای یا... این تجربه‌ها به محک نهایی گذاشته شوند.

برخی از دوستان هنرمند سوژه جدیدی از داستان‌های قدیمی را به‌صورت شعر تعزیه درآورده‌اند و آنها را منظوم کرده‌اند یا داستان‌های ملی و اسطوره‌ای را پرداخت جدیدی کرده‌اند و به شیوه تعزیه روی کاغذ آورده‌اند که همان‌طور که اشاره شد باید دید این تجربه‌ها در اجرا چه سرنوشتی خواهند داشت و چقدر به مذاق مخاطب خوش می‌آیند.»

موسوی به لحاظ مثبت و منفی ارزیابی کردن این تجربه‌ها آن‌هم در دورانی که کمتر اتفاق بکر و بدیعی در حوزه هنرهای آیینی سنتی شاهد هستیم هم می‌گوید: «نکته اساسی اینجاست که به این رویکردها اساساً نمی‌شود نوآوری گفت. تعزیه هنری است تمام و کمال که در دوره‌ای شروع شد و در دوره‌ای دیگر به اوج خود رسید.

مثلاً اگر ما بیاییم هملت شکسپیر را به شیوه تعزیه بنویسیم و اجرا کنیم اتفاق خاصی رخ نداده است و هر ماجرا و داستان و قصه دیگری را هم می‌شود به این شیوه نوشت و اجرا کرد. از نظر من، اینها نه اتفاق خاصی به حساب می‌آید و نه نوآوری و صرفاً تجربه‌ایست که برخی دوستان انجام می‌دهند.

اگر بحث عملی باشد باید به این نکته دقت کنیم که نوآوری یعنی گسترش شیوه‌های تعزیه که پارامترهای مختلفی دارد.

به‌عنوان مثال ما بیش از سیصد مجلس ثبت شده داریم که بسیاری از آنها اجرا نشده و فقط ۱۵ تا ۲۰ مجلس از این تعداد اجرا می‌شود. دلیلش هم به‌صورت مشخص عدم اقبال مخاطب است که این عدم اقبال مخاطب باعث می‌شود صرفاً بخشی از این مجالس که مورد پسند واقع شده‌اند در طول تاریخ شهرت پیدا کنند.

از نظر شیوه هم همین‌طور است. چند نمونه از مجالس حماسی کربلا شیوه‌های بدیعی را به وجود آورد و بسیار ماندگار و مشهور شد اما بقیه تعزیه‌ها حالت ایستایی دارد و رزم و بزم در آن کم است یا کلاً نیست و به همین دلیل به آنها تعزیه نشسته گفته می‌شود.»

موسوی در بخش دیگری از صحبت‌های خود به این موضوع اشاره می‌کند که «نوشتن متن‌های جدید برای نگارنده بی‌شک تجربه خوبی است و وقتی به تماشا گذاشته می‌شود هم سویه دیگر کار به محک تجربه‌ای گذاشته می‌شود و برخورد مخاطب با اثر نمایشی مورد دقت قرار می‌گیرد. تجربه شخصی من می‌گوید تحول در تعزیه تأثیری ندارد چون تعزیه جایگاه خود را دارد و اشباع شده و تکمیل شده است.»

او در پایان درباره شرایط و تأثیر برگزاری این جشنواره در دوران کرونا هم می‌گوید: «به‌هر صورت کرونا تمام فضای هنری را تحت تأثیر قرار داده و این شرایط سخت باعث عدم رغبت گروه‌ها برای حضور و اجرا شده است و از طرفی تعطیلی یا نیمه‌تعطیل بودن اجراها و سالن‌های نمایش هم به مشکلات عدیده افزوده است و کار بسیار سخت شده و طبیعتاً نمی‌شود انتظار داشت جشنواره آیینی سنتی به همان شکل و شیوه سال‌های گذشته برگزار شود.»

نقد فیلم مثل خانه ای سوزان

آتش سرد

نقد فیلم

نازنین اردوبازارچی / فیلم «مثل خانه‌ای سوزان»* داستان زنی به نام دارا (سارا ساترلند) است که پس از دو سال دوری خودخواسته از همسر (جرد آبراهامسون) و دختر دوساله‌اش به خانه بازمی‌گردد و می‌خواهد زندگی و ارتباطاتش را از سر بگیرد؛ اما با شرایطی مواجه می‌شود که برایش قابل درک و پذیرش نیست. همسرش مسیر جدیدی در زندگی انتخاب کرده و دخترش که حالا در آستانه چهار سالگی است، او را به یاد نمی‌آورد. این فیلم درامی مبتنی بر روایت اول شخص است که تمامی ماجراها حول محور او شکل می‌گیرند. شخصیت اصلی فیلم (دارا) به دلیل فشارهای روانی ناشی از افسردگی پس از زایمان و همچنین مشکلاتی که در کودکی داشته به ناگهان تصمیم می‌گیرد خانواده‌اش را ترک کند و پس از بازگشت بی‌مقدمه‌اش انتظار دارد روابط پیشین با همان کیفیت سابق ادامه پیدا کنند. فیلم درامی عاشقانه نیست بلکه روایتی واقع‌گرایانه از انسان‌هاست که در موقعیت‌های مختلف دست به انتخاب‌هایی می‌زنند که تأثیرات عمیق و طولانی روی سایر اعضای خانواده‌شان می‌گذارد؛ تأثیراتی که شاید خود آنها از میزان مخرب بودنشان اطلاعی ندارند. کارگردان در یک مصاحبه تأکید می‌کند که قصد نداشته بر شرایط روحی و سلامت روان شخصیت اصلی فیلم تمرکز کند بلکه می‌خواسته یک وضعیت بشری را به تصویر بکشد و به مضامینی مثل خانواده، ارتباطات انسانی، تأثیر گذاشته فرد بر حال و آینده و احساسات انسانی بپردازد که به نظر می‌رسد در این مسیر موفق هم بوده است. داستان فیلم در شهر کوچکی می‌گذرد که به نام و موقعیتش اشاره‌ای نمی‌شود؛ به شغل، سن و موقعیت اجتماعی شخصیت‌ها چندان پرداخته نمی‌شود و کارگردان در این بافت است که می‌تواند با ایجاد فضایی مینیمالیستی بر روابط افراد و احساساتشان تمرکز کند و داستان سه نسل از یک خانواده را در خلال این روایت پیش ببرد. فردیت کاراکترها اهمیت زیادی در روایت دارد و به گونه‌ای پرداخت شده‌اند که در معرض قضاوت بیننده قرار نمی‌گیرند و صرفاً وضعیت و موقعیت‌شان در روایت نشان داده می‌شود. هیچ‌یک از کاراکترها قادر به بیان احساسات و خواسته‌هایشان نیستند و ارتباط بیشتر در سکوتی می‌گذرد که اغلب به سوءتفاهم منجر می‌شود. مضمون اصلی این اثر، یعنی بیگانگی انسان‌ها از یکدیگر، در این بافت معنا پیدا می‌کند. ناتوانی در تحلیل وضعیت و عدم تسلط بر احساسات به لکنت در بیان خواسته‌ها منجر می‌شود و شرایط ناشی از آن به بیگانگی افراد از یکدیگر و عدم درک متقابل می‌انجامد. پایان فیلم نیز بسیار واقع‌گرایانه است و سعی دارد، به دور از شرایط آرمانی، کاراکترها را به وضعیتی باثبات برساند. این فیلم در طول پاندمی کرونا ساخته و پخش شده است و مضمون دوری از خانواده و برهم‌ریختگی شرایط عادی زندگی در آن نقش پررنگی دارد که بسیار مشابه شرایط کنونی جهان است و می‌تواند سبب همذات‌پنداری عمیق‌تری با شخصیت اصلی فیلم شود. فیلم «مثل خانه‌ای سوزان» با نویسندگی و کارگردانی جسی نوآ کلاین، کارگردان جوان کانادایی، در جشنواره فیلم تورنتو ۲۰۲۰ برای نمایش در بازار فیلم جشنواره برگزیده شد.

* Like a house on fire عنوان فیلم علاوه بر معنای لغوی آن نوعی اصطلاح در زبان انگلیسی است و به پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که به آسانی و به سرعت شکل می‌گیرند، مثل شکل‌گیری سریع و راحت یک رابطه. هر دوی این معانی با توجه به مضمون فیلم می‌توانند برای ترجمه عنوان فیلم به کار روند و «مثل خانه‌ای سوزان» صرفاً یک انتخاب شخصی است.

سینمای خانگی

تعهد به فراموشی

تأملی بر نسبت سریال «می‌خواهم زنده بمانم» با دهه شصت

علیرضا نراقی
منتقد

روح جمعی توده‌ای غالب، تاریکی و ترس، امید و افق برای فردایی متفاوت و... تنها کلیات گذرای بخشی از تجربیاتی است که همه ایرانیان در دهه شصت گذراندند. این تراکم رخداد و تغییر، دهه شصت را تا امروز تازه و گرم نگه داشته است.

بی‌راه نیست اگر بگوییم حتی کودکان امروز، همین‌ها که دهه ۹۰ به دنیا آمده‌اند، هنوز با فرهنگی که دهه شصت در آموزش و مناسبات اجتماعی ساخته شد و قانونی که در التهابات آن دهه نوشته شد و احساساتی که در آن دهه در جان شهروندان کاشته شد، تربیت و آموخته می‌شوند. پس دهه شصت دهه مرده‌ای نیست که با مظاهری از هر دهه و دوره‌ای دیگر، بتوان بسادگی آن را بزک کرد و چیزی بی‌هویت را به جای دهه‌ای سراسر هویت زده به خورد مخاطب داد. از هر گوشه «می‌خواهم زنده بمانم» بی‌تعهدی به تاریخ می‌بارد. از پارچه و دوخت لباس تا خانه و مبلمان درون آن، از تاریخ انتشار و جلد کتابی که شخصیت‌ها بهم هدیه می‌دهند تا زبان و ادبیات جاری در دیالوگ‌ها، کمتر نشانی از دهه شصت می‌توان پیدا کرد. این مسأله درخصوص داستان کار هم وجود دارد. پرسش اساسی در خصوص داستان سریال این است که آیا اصلاً امکان رخ دادن در آن بستر را داشته است؟

تاریخ، رخدادها و در نتیجه داستان‌ها را به خود مقید می‌کند. اغلب شخصیت‌های سریال و داستانی که دارند، با التهابات دهه شصت بی‌ارتباط است. ما در سریال خیابان و زمینه اجتماعی نمی‌بینیم. این نکته حتی در کارگردانی و فضای بصری سریال هم مشهود است. سریال نمای باز یا نمای معرفی بسیار کم دارد، بیشتر نماها بسته‌اند و مکان‌ها هیچگاه به شکل پیوسته و معناداری شناسانده نمی‌شوند. این فضا به داستان و فرم سریال ماهیتی انتزاعی داده است که گویی در هر دوره دیگری می‌تواند ساخته شود. فروپاشی تاریخ امری آشناست، که دلایل متفاوتی دارد، اما همه دلایل نتیجه‌ای جز فراموشی و دستکاری حقیقت ندارند.

گاه تلاش برای فراموشی، سیاسی است. مثلاً می‌دانیم که در ترکیه سیاستی کلان در تولید سرگرمی وجود دارد تا تاریخ را بازتعریف و با توجه به افق‌های مورد نظر سیاستمداران امروز این کشور، دگرگون سازد. گاه فراموشی نوعی واکنش اجتماعی است، مردمان می‌خواهند دوره‌ای سخت را فراموش کنند و از آن واقعیت تازه‌ای بسازند، ابتدا از آن دوره نوستالژی می‌سازند و اگر نتیجه نداد، راه تازه‌ای برای دستکاری در حقیقت پیدا می‌کنند. به نظر می‌رسد «می‌خواهم زنده بمانم» نشانه‌ای از راهی تازه برای فراموشی دهه شصت است.

پنجمین دوره از کنسرت‌های آنلاین «برخط ماه و نوا ۲» به پایان رسید

ایجاد شرایط برای بهتر دیده شدن

موسیقی

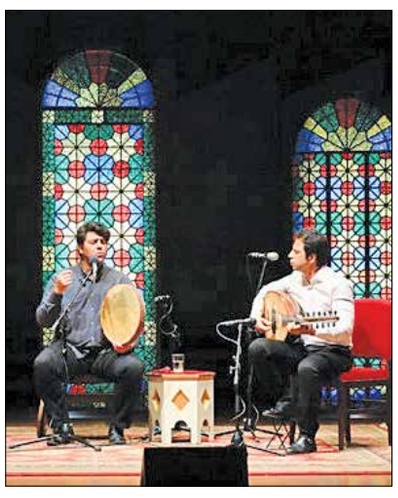

ندا سیجانی - پنجمین دوره از کنسرت‌های آنلاین «برخط ماه و نوا ۲» پس از چهار روز برگزاری به کار خود پایان داد. این سری از برنامه‌های کنسرت‌های آنلاین از ۲۹ تیرماه آغاز و تا یکم مرداد ماه ادامه داشت و مانند دوره‌های قبل با حضور تعدادی از گروه‌ها و هنرمندان شناخته شده موسیقی ایرانی در تالار رودکی تهران برگزار شد.

برنامه کنسرت‌های آنلاین توسط انجمن موسیقی ایران و با مشارکت بنیاد فرهنگی و هنری رودکی به‌صورت ماهانه در ماه‌های خرداد، تیر و مرداد ماه ۱۴۰۰ برنامه‌ریزی شده بود و معرف گونه‌های مختلف موسیقی از جمله موسیقی دستگاهی، نواحی و کلاسیک غربی است. البته پیش از این کنسرت‌هایی با عنوان اجراهای آنلاین موسیقی دستگاهی و موسیقی نواحی نیز برگزار شده بود که مورد استقبال بود و هنرمندان خوب کشورمان توانستند در شرایط و محدودیت‌های تعریف شده در فضای مجازی میزبان علاقه‌مندان باشند.

مهدی امامی خواننده موسیقی کلاسیک ایرانی که اجرای روز چهارم و پایانی این دوره از کنسرت‌های آنلاین را با همراهی گروه «وصل تریو» سعید نایب محمدی (نوازنده عود) و حمید قنبری (نوازنده تنبک) برعهده داشته‌اند قطعاتی چون نشید، ساز و آواز شوشتری، وصل، نقش، ساز و آواز سه‌گاه و بسیط دم را روی صحنه بردند. او بر این نظر است که برگزاری کنسرت آنلاین در این شرایط می‌تواند با استفاده از حداقل امکانات موجود باشد چرا که در حال حاضر شرایط اجرای کنسرت‌های حضوری وجود ندارد.

او در گفت‌وگو با «ایران» بیان داشت: کنسرت‌های آنلاین به نسبت کنسرت‌های حضوری فضای گسترده‌تری را پوشش می‌دهد و بر این اساس قطعاً می‌تواند مخاطبان بیشتری را هم جذب خود کند اما به شرط آنکه بسترهای لازم در جهت خوب دیده شدن و شنیده شدن فراهم شود.

این مدرس جوان در اولین دوره از کنسرت آنلاین موسیقی دستگاهی که مرداد ماه سال ۹۹ در تالار رودکی برگزار شد با گروه موسیقی «نقش» به سرپرستی و آهنگسازی امیر شریفی اجرای برنامه داشته و براین باور است دوره نخست مخاطبان بسیاری شنونده و بیننده این کنسرت‌ها بوده‌اند اما پخش این دوره از برنامه به دلیل اینکه در فضای اینستاگرام بود آنطور که انتظار می‌رفت مورد استقبال قرار نگرفت و به همین منظور راهکار بهتر دیده شدن این اجراها، ایجاد بسترهای لازم چون فضای تبلیغاتی است یا حتی می‌توان صفحه مخصوصی مربوط به اجراهای کنسرت‌های آنلاین در اینستاگرام راه‌اندازی شوند تا مردم آشنایی بیشتری داشته باشند.